

ادامه بخش دوم

قضاوت نادرست

حواشی بر کتاب انتخاب زمان

امیر فیض - حقوقدان

کوتاه شده

در فصل دوم کتاب انتخاب زمان آمده است:

- ۱- ساواک هر مخالفی را تروریست قلمداد کرد
 - ۲- ساواک مرتکب اعمال بی رویه ای شد
 - ۳- پدرم حامی دولت، در مقابل مردم شده بود من برعکس حامی مردم در مقابل دولت خواهم بود
- قضاوت اعلیحضرت نسبت به موارد بالا درست نیست دلیل آنرا میتوانی در تفصیل زیر ملاحظه فرمائید

ساواک. هر مخالفی را تروریست معرفی میکرد

این قضاوت اعلیحضرت، پاسخ پرسشی بود که مصاحبه کننده بشرح زیر عنوان کرده است:

«پدر شما تنها با مخالفین کمونیست مقابله نکرد او همچنین از نظر سیاسی راه تنفس را بر افراد و جریان های معتدل بست آیا نباید به ظهور جریان لیبرال کمک میکرد تا در مقابل کمونیستها و اسلام گرایان به وزنه ای تبدیل میشد؟»

اعلیحضرت، پی آمد پرسش بالا مطالبی میفرماید که میرسد به آنجا که میفرماید «ساواک هر مخالفی را تروریست قلمداد میکرد»

قضاوت اعلیحضرت سطحی و از ادعاهای مخالفین سلطنت و هواداران جبهه ملی باریافته است.

توجه اینکه - هرادعا یا مطلب و یادخواستی که شخصی عنوان میکند باید دلیل و سبب داشته باشد حتی قاضی که حکم میدهد اگر در حکمش به مستند و دلیل حکم اشاره نکند حکم قطعی شناخته نمیشود. دیده اید که گدائی که گوشه ای نشسته و دستش را برای گدائی دراز کرده مدام میگوید <بده در راه خدا> همین حرف گدا بیان کننده رابطه سببیت است برای درخواست او.

عرض شد که اعتبار حکم قضا وقتی است که مستدل و مستند باشد ولی این قاعده نزد عامه معروف نیست و جامعه در پذیرش هر مطلبی، آمادگی دارد خاصه که شنونده، گوینده را بالا ترا خود بداند.

در اینکه ادعا باید دلیل داشته باشد نیازی به بحث ندارد اما ادای مطلب که مورد استفاده این تحریر است، موضع خاصی دارد. مطلبی را که کسی عنوان میکند اگر همراه واژه هائی مانند بنظر میرسد - ممکن است- شاید و نظایر آن نباشد همچنین اگر مطلب از نقل قول دیگران و شایعه و مکتوب و امثال آنها پشتیبانی نشده باشد، مطلب، ماهیت قضاوت و تعلق آثاریه استفاده کننده از مطلب را دارد و برای شنونده مطلب، این باور، بوجود میاید که گوینده مطلب، ناظر جریان بوده است خاصه اگر بیان کننده موضوع دارای شخصیت قابل احترام هم باشد و همین مورد، یعنی اظهار بی دلیل است که پای اتهام را پیش میکشد.

این راهم بیاوریم بجاست، که تنهادر حقوق تشیع است که فتوای آخوند نیازی به دلیل و یاخواستن توضیح ندارد.

با مقدمه ای که عرض شد این اجازه حاصل است که از اعلیحضرت خواسته شود یکی دو مورد به عنوان نمونه از احزابی یاد بفرمایند که در چهارچوب قانون اساسی و متمم آن فعالیت سیاسی داشته و ساواک باتهام تروریست بودن آن سازمان و یا حزب و یا سران آن، مانع فعالیت آن ها گردیده است؟

ساواک و اعمال بی رویه

اعلیحضرت ساواک را متهم به اعمال بی رویه کرده اند ممکن است قضاوتشان درست باشد در صورتی که رویه ساواک تعیین شده باشد و احراز و ثابت هم بشود که ساواک از رویه خارج شده است.

رویه، یعنی طریقی که فکراسان برای انجام کاری انتخاب میکند. رویه وقتی یکسان و مورد عمل فراگیر پیدا کرد، میشود <خط مشی> رویه از امور نسبی است که در رابطه بامکان و زمان و شخصیت عمل کننده قابل ارزیابی است. نمونه اش رامیتوان از قانون ابتدال امریکا آورد. ابتدال از مواردی است که آزادی بیان را محدود میکند ولی تشخیص آنرا موکول به تشخیص دادگاه ساخته که دادگاه باتوجه به شرائط زمان مکان آنرا تعریف و عمل متهم را با آن منطبق بداند یا نداند. رویه، در مقابل رویه دیگری که در عمل مشابه باشد قابل ایراد و یا اصلاح است مثلاً دو آجرچین و یا دو پلیس و امثال آنها. اظهار نظر یک دکتر طب در رویه یک آجرچین، ایراد به رویه، محسوب نمیشود بلکه دخالت و اظهار نظر خودی محسوب میشود که برخی آنرا خود بزرگ بینی بحساب میاورند.

بنظر میرسد ما امروز نمیتوانیم نسبت به رویه یک کارمند ساواک که ۴۰ سال پیش رویه ای برای پیشبرد وظیفه اش انتخاب کرده و ما هم نه در آن زمان کارمند ساواک بوده ایم و در سن و سالی بوده ایم که وارد این مسائل بشویم در آن حدی ایراد بگیریم که عبارت < کند ذهن > متناسب آن باشد.

کتاب ماهی کوچولو، که مورد استناد اعلیحضرت، قرار گرفته است نوشته صمد بهرنگی است که او در گروه اشرف دهقانی وابسته به چریکهای فدائی خلق به اتفاق بهروز دهقانی، ناب دل و مناف تبریزی عضو بوده این گروه، فعال ترین واحد عملیاتی سازمان چریکهای فدائی خلق را تشکیل میداد و بسیاری از ترورها و خرابکاری ها بوسیله آنها صورت گرفته است.

سازمان چریکهای فدائی خلق بود که حمله به سیاهکل را برنامه ریزی کرد که در آن عملیات ۶۰ افسر، درجه دار و سرباز ساده و ژاندارم توسط چریکهای فدائی خلق کشته شدند.

رضا پراهنی در مجله شماره ۶ سال ۱۳۶۰ مقاله ای در رابطه با آثار صمد بهرنگی نوشته و توضیح داده که مقاله مزبور قبلاً بزبان ترکی در ترکیه منتشر شده است در آن مقاله از اهداف صمد بهرنگی که تجزیه آذربایجان است سخن میگوید و در آخر مقاله اش نوشته «صمد، پرباز کرد برای پرواز، اسیر مرز و بوم و حدود و ثغور است پایش را که در آب میگذارد و شاید خواسته بوده است که عبور کند این راهیج بعید نمیدانم تا وطن دیگری بسازد که غرق میشود» مقصود از آب رودخانه ارس مرز شوروی است (صفحه ۳۸۰ ساواک).

این چنین شخصی که سوابق بسیار مفصل تری از مختصری که در دسترس من بود دارد که نمایم قصه برای بچه هابنویسد مگر اینکه با هدف خاصی از نام ماهی کوچولو استفاده کند.

مختصر اینکه قضیه مصداق < تو مو مبینی و من پی پیشش مو > است.

توضیح برای خودمان

توضیح اینکه: در بهمن ماه سال ۱۳۵۰ که بمب گذاری و تروریه اوج خود رسیده بود کمیته مشترک ضد خرابکاری با شرکت شهربانی، ژاندارمری و ساواک بمنظور مبارزه و تعقیب و جلوگیری از عملیات تروریستی تشکیل گردید و از آن تاریخ بود که مبارزه با تروریست بخشی از وظایف ساواک قرار گرفت و قبل از تشکیل کمیته مشترک خرابکاری ساواک،

وظیفه اش فقط کسب اطلاعات و ارسال برای نخست وزیر بود و بدلیل اینکه ساواک نمیتوانست مستقیماً باتروریستها درگیر و مقابله کند، کمیته مشترک بوجود آمد.

وظیفه کمیته مشترک ضد خرابکاری عبارت بود از شناسایی- تعقیب - ضربه زدن- بازداشت خرابکاران و تروریستها و تشکیل پرونده و ارسال آن به دادرسی ارتش و یک واحد کنترل فعالیت‌های سیاسی بشمار نمیرفت.

سوابقی که در این تحریریه بخشی از آن اشاره میشود نشان میدهد کسانی که باشاه ورژیم قانونی کشور مخالف بودند ولی مخالفت آنها بصورت عملیات خرابکارانه ویاتروردن‌یامده بود آزادانه فعالیت میکردند و با ساواک سروکار جدی نداشتند.

لیست تروریستها

اگر قضاوت اعلیحضرت رمالک درست بگیریم اشخاص زیر باید از نظر ساواک تروریست شناخته شده باشند:

حسن نزیه- لاهیجی - احمد مدنی - مظفر بقائی - حسین مکی - طالقانی - زنجانی - میلانی - سنجابی - فروهر - مقدم مراغه‌ای - هدایت الله متین دفتری - مهدی بازرگان - سحابی - جلال آل احمد - شاملو - حاج سید جوادی - حسن صدر - مهدی آذر - شاپور بختیار و بسیاری نظیر آنها که جمع آوری آن یک طومار میشود و همشان از مخالفین شاه ورژیم سلطنتی ایران بودند و اظهارات آنها بعد از پیروزی شورشیان ۵۷ دلیل موقعیت سیاسی و اعتقادی آنان است ولی چون مخالفت خود را تنها بصورت نوشته و یا جلسات محدود انجام میدادند و باصطلاح، جنبه قهرآلود نداشت ساواک هم جز جمع آوری اطلاعات دخالتی نداشت و حضرات بالا و امثال آنها در کمال آزادی از همه امکانات کشور استفاده میکردند همین حاج سید جوادی مدتها ممتازترین عضو هیئت تحریریه کیهان بود شاملو سردبیر مجله خوشه آنها سالهای متمادی - آل احمد ۲۵ رساله ای که در مدت عمر خودش نوشته بود چاپ کرد- متین دفتری و حسن نزیه پست های حقوقی مهم دولتی را داشتند حتی رسول پرویزی و فریدون توللی که از اعضای شناخته شده حزب توده بودند بمقامات معاونت نخست وزیری و ریاست اداره باستانشناسی فارس منصوب شدند رضا برهنی بابورس دولتی به خارجه برای تحصیل رفت علی اصغر حاج سید جوادی در همان زمانیکه مدعی خفقان کشور بود تمام نامه های اعتراضی خود را که به شاه نوشته بود بصورت کتاب زیر نام <نامه ها > در ۲۲۰ صفحه چاپ و منتشر کرد. همو در ۱۸ بهمن ۵۷ مقاله پاسخ به مسلسها- ارتش از چه چیزی دفاع میکند> در روزنامه اطلاعات منتشر کرد که ارتشیان راعلیه شاه می شوراندو..... (مفصل در جلد ۲۷ اسناد سفارت آمریکا صفحه ۱۷۶ گزارش سالیوان به وزارت خارجه امریکا).

حاج سید جوادی تحت تعقیب ساواک قرار گرفت ولی در خانه سناتور کاتوزیان و باکمک عباس مسعودی پنهان شد (فرازهائی از تاریخ انقلاب صفحه ۲۲۸).

اگر ساواک هر مخالفی را تروریست قلمداد میکرد لازم میآمد که همه حضرات بالا هم تروریست شناخته شوند و با آنها همان رفتاری بشود که در تمام دنیا و ایران باتروریستها میشود فراموش نکنیم که حضرات بالا مخالف حکومت و حتی شاه هم بودند ولی کارهای تروریستی و خرابکاری نمیکردند.

اگر در سالهای قبل از ۵۷ ایجاد این چنین مظلومیت ها برای افراد مزبور و نیز محکومیت برای ساواک ممکن بود امروز دنبال کردن آن ادعای باطله به استناد اظهارات خود آن افراد دیگر هنرنمایی کهنه ای بیش نیست.

فراموش نشود که محکومیت و زندان رفتن برخی از حضرات آنها بمدت های کوتاه در رابطه با قانون مجازات علیه مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکت و یا قانون حکومت نظامی ماده ۵ آن بوده است.

اجازه فرمائید به ماده یک آن قانون اشاره شود که ناظر بر فعالیت های باصطلاح سیاسی حضرات است:

ماده اول- هر کس در ایران، بهر اسم و یا هر عنوان، دسته و یا جمعیتی و یا شعبه جمعیتی را تشکیل دهد و یا اداره نماید که مرام و یا رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران و یا رویه یا مرام آن اشتراکی است..... به حبس مجرد از سه تا پانزده سال محکوم میشود.

ماده سوم - هر کس خواه با مشارکت خارجی، خواه مستقلاً بر ضد مملکت قیام مسلحانه کند، محکوم به اعدام میشود و

بنابراین کسانی که اعدام شدند در رابطه باماده سوم قیام مسلحانه آنها بوده است آنهم به حکم دادگاه.

«پدرم حامی دولت در مقابل مردم شده بود و من برعکس حامی مردم در مقابل دولت خواهم بود»

بیان اعلیحضرت قابل تأمل است و سابقه چنین اظهاری بکرات در گفته های بختیار در عبارت < شاه داور است > دیده میشود و اعلیحضرت هم در همین کتاب خودشان تحت تاثیر افکار بختیار را تائید فرموده اند.

دولتها که بارأی صلاحیت مجلس نمایندگان مردم تصمیم میگیرند و جوابگوی مجلس میباشند چگونه پادشاه که حق مداخله در امور مجلس و دولت را ندارد خودش را وارد معرکه ای میکند و اختلاف دولت و مجلس را به اختلاف توده مردم برهبری شاه با دولت تبدیل میکند. [!!]

قانون اساسی به پادشاه حق داده است که نخست وزیر جدیدی را به مجلس معرفی کند نه اینکه از مردم و یا دولت جانبداری کند.

اساسا دولت از مردم جدا نیست که بتوان قائمه تصویری اعلیحضرت گرداند دولت منتخب مجلس باید هم مورد تائید و حمایت شاهنشاه قرار گیرد و هر وقت هم که مجلس رای عدم اعتماد به دولت را داد حمایت شاه هم از آن دولت پایان مییابد.

فرض کنید که دولت لایحه مالیات هارا بتصویب مجلس میرساند مردم ما که اصولا عادت به مالیات دادن ندارند با این قانون مخالفند جنجال میکنند بازار را می بندند خبریه شاه میرسد ایشان میفرمایند مردم حق دارند مالیات بی مالیات دشوار است که دامنه وسیع این هرج و مرج را تجسم نمایند؟

ایراد اعلیحضرت به پدرشان که حامی دولت بوده اند، وارد نیست عمل شاهنشاه ایران دقیقا منطبق با قانون اساسی و سنت مشروطیت ایران بوده است و تحقق خواست اعلیحضرت نیاز به قانون اساسی دیگری دارد.